

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

آفریقای جنوبی ده سال پس از پایان آپارتاید

درآمد

آفریقای جنوبی جنوبی سرزمینی با تپه های سبز، چشم اندازهای زیبای کوهستانی، رودخانه های پر آب و زمینهای پهناور مساعد کشت است. سرزمینی با تعداد انگشت شماری ثروتمند و میلیونها نفر مردم تهیدست. این بخش از جهان که خلق ستمدیده اش سالها بار رنج آپارتاید را به دوش کشیده، اکنون جولانگاه سرمایه گذاران جهانی گشته است.

آیا سرمایه گذاران خارجی توانسته اند باز سازی در این کشور را پیش برده و زندگی بهتری برای مردم این سرزمین به ارمغان بیاورند یا اینکه سود و بهره وری به سوی راس هرم سرازیر می گردد؟ آیا توده های سالها زیر ستم، بار دیگر اسیر بی عدالتی و نژادپرستی و ترور شده اند؟

درونشمار زیر تلاش شده است که تأثیرات اقتصادی - اجتماعی جهانی سازی، بازار آزاد و لیبرالیسم نو، بر سطح زندگی مردم آفریقای جنوبی طی ده سال گذشته و پس از پایان آپارتاید در این کشور مورد بررسی قرار بگیرد.

با انتخاب نلسون ماندلا در سال ۱۹۹۴، سیاهپوستان آفریقای جنوبی به آرزوی دیرینه خود رسیدند. امید به زندگی بهتر و تهی از تبعیض و نابرابری نه تنها آنان، بلکه مردم عدالت خواه سراسرجهان را به شغف آورد. مبارز شکست ناپذیری که ۲۷ سال از عمر خود را در راه دفاع از آرمانش در زندان به سر برده بود، اولین رهبرسیاهپوست این کشور شد اما هنوز اشک شوق بر گونه های مردم فقیر و محروم خشک نشده بود که پروسه جهانی سازی و پیامدهای آن، آثار یاس و ناامیدی را دیگر بار بر چهره هایشان پدیدار کرد.

درواقع، پروسه جهانی سازی از زمانی که بوی دگرگونی در فضای سیاسی این کشور به مشام رسید و اعتراضات وسیع بین المللی و همبستگی با مردم سیاه پوست آفریقای جنوبی شدت می



یافت و همچنین در انتهای جنگ سرد در سال ۱۹۸۹، آغاز گشت. نهادهای بزرگ مالی از فرصتی که در راه بود سود جسته و جای پای خود را در این کشور نقش کردند. آنان تلاش نمودند تا از این فرصت طلایی که در راه بود بهره گرفته و تغییرات اقتصادی - اجتماعی آن را در مسیر سرازیر شدن سودهای کلان به کیسه های خود هدایت کنند.

در سال ۱۹۹۰، بانک جهانی، مشاوران خود را به این کشور فرستاده و ایده های لیبرالیسم نو و سیاستهای رشد یکجانبه نگرانه اقتصادی خود را توصیه کرد. در سال ۱۹۹۳، صندوق بین المللی پول (IMF)، وامی به مبلغ ۷۵۰ میلیون دلار به این کشور پرداخت کرد و درازای آن خواستار همسازگی با سیاستهای لیبرالیسم نو شد.

در آغاز، نلسون ماندلا و ساختار جدید کنگره ملی آفریقا، از برخی از عناصر بازار آزاد در اولین پروژه های اقتصادی خود استقبال کردند. این برنامه که تحت نام "بازسازی و توسعه" به اجرا درمی آمد، در مراحل اولیه از برخی محدودیتهایی برخوردار بود اما متأسفانه و تحت نفوذ نئولیبرالها در کنگره ملی آفریقا، به تدریج برنامه های نئولیبرال به نام "رشد، کارگماری و باز تقسیم (GEAR)" جایگزین آن گشت. طراحان پروژه جدید، از ۱۵ اقتصاد دان نئولیبرال که از دستچین شده های بانک جهانی بودند و چند بانک توسعه آفریقای جنوبی تشکیل می شدند. هدف آنان تلاش در جهت خصوصی سازی همه شرکتها و خدمات عمومی و تنزل هزینه های دولت و مالیات به سود شرکتها بود. از این رو، یارانه هایی

اشتغال و باز تقسیم" بیش از ۱۲۰ هزار شغل جدید و رسمی را در اولین سال اجرایی شدن وعده داد اما در همین سال، ۱۰۰ هزار شاغل، کار خود را از دست دادند. در میان مایقی ۱۱ میلیون مردم شاغل در سال ۲۰۰۳، چهار میلیون نفر دارای مشاغل موقتی، غیر رسمی و با درآمد بسیار پایین هستند. تمرکز ثروت تحت حکومت کنگره ملی آفریقا، شدیداً افزایش پیدا کرده و فاصله چشمگیری بین سطح زندگی مردم فقیر و ثروتمند ایجاد گشته است، به طوری که در سطح جهان، به استثناء کشور گواتمالا، آفریقای جنوبی از این لحاظ مقام اول را به دست آورده است.

از آثار دیگر این سیاستها که تأثیرات فاجعه باری برای تبهیدستان سیاهپوست در برداشته است، خصوصی سازی سیستم آب این کشور است. با به اجرا درآمدن این سیاست، مردم کم درآمد و فقیر از استفاده از آب پاکیزه محروم شدند. در سال ۲۰۰۱، صدها هزار روستایی که توان مالی استفاده از آب تصفیه شده را که تحت کنترل کمپانیهای خصوصی بود نداشتند، در اثر استفاده از آب آلوده بیمار شده و تعداد زیادی از آنها جان خود را از دست دادند. در نتیجه، دولت ناچار گشت که میلیونها دلار برای درمان مردم و پاکیزه کردن آب آلوده هزینه کند.

باید توجه داشت که سیاست لیبرالیسم نو در سراسر آفریقای جنوبی یکسان پیش نرفته است. در مناطقی که اقتصاد توسعه نیافته وجود دارد، "تجارت آزاد" تحت کنترل موسسات مالی بین المللی (IFIs) و در مناطق توسعه یافته، لیبرالیسم نو تحت نفوذ شرکتها فراملیتی صورت گرفته است. برای مثال، جهانی سازی در حال حاضر از طریق سازمان جهانی تجارت (WTO) و "تغییرات ساختاری" توسط IFI، درسراسر دنیای توسعه نیافته به پیش برده می شود و این بخش از جهان را به مناسبات امپریالیستی قرن نوزدهم هدایت می کند. سود به دست آمده از منابع دنیای توسعه نیافته، به مرکز اقتصاد توسعه یافته اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن سرازیر گشته و صاحبان این منابع را تهیدست و مبتلا به عوارض گوناگون جهانی سازی، برجا می گذارد.

هدف ایالت متحده آمریکا، اروپا و نهادهای بزرگ مالی، بهره وریمهای کلان از راه بستن قراردادهای تجاری با آفریقای جنوبی می باشد. این در حالی است که آنها سعی می کنند از

بقیه در صفحه ۱۰